

ضرورت تحوّل در کارکرد اقتصادی نواحی روستائی (مطالعه موردی: بخش خورگام شهرستان رودبار)

دکتر سید رحیم مشیری-استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

دکتر مسعود مهدوی-استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

تیمور آمار-دانشجوی دوره دکتری جغرافیا، دانشگاه تهران*

پذیرش مقاله: ۸۲/۱۰/۲۹

چکیده

کارکرد اقتصادی یکی از مهم‌ترین کارکردهای جوامع روستائی است که نقشی اساسی در مکان‌گزینی و پایداری سکونتگاه‌ها، تولید اقتصادی، معیشت، درآمدزایی و ایجاد فرصت‌های شغلی دارد. این کارکرد علیرغم نقش گسترده بخش کشاورزی، صرفاً در این بخش خلاصه نشده و بنظر می‌رسد که حرکت این جوامع به سمت تنوع‌سازی زمینه‌های اشتغال، معیشت و درآمد اجتناب‌ناپذیر باشد. در این رابطه هر ناحیه روستائی به تناسب شرایط جغرافیایی و قابلیت‌های درونی خویش، قادر به پیمودن این راه و تحقق اهداف کمی و کیفی اقتصاد خویش است. این مقاله چکیده‌ای از یک کار تحقیقی و بر مبنای امکان‌سنجی تحوّل در کارکرد اقتصادی روستاها و به صورت موردی در یکی از نواحی روستائی شهرستان رودبار (بخش خورگام) تهیه شده است.

واژگان کلیدی: کارکرد جوامع روستائی، کارکرد اقتصادی، جغرافیای اقتصادی روستاها، شهرستان رودبار- بخش خورگام.

مقدمه

اقتصاد روستائی عمری برابر با سکونت انسان در کره زمین داشته و نقشی اساسی در مکان‌استقرار، استمرار در سکونت، تولید ثروت و ایجاد اشتغال ایفاء نموده و امروزه نیز در بین کارکردهای متنوع سکونتگاه‌های روستائی یکی از مهم‌ترین آنهاست. پایه‌های آغازین اقتصاد در روستاها را باید بر پایه فعالیت‌های کشاورزی دانست که این فعالیت تا به امروز نیز در نظام تولید اقتصادی، الگوی تغذیه و بسیاری از جنبه‌های مادی زندگی روستائیان تأثیر غیر قابل انکاری داشته است؛ اما در فرایند تحولات اقتصاد روستائی در جهان و به تناسب نیازهای فعلی این جوامع بنظر می‌رسد که بخش کشاورزی به تنهایی قادر به ایجاد تعادل در شاخص‌های اقتصادی روستاها و جمعیت این مناطق نبوده و لزوم پرداختن به فعالیت‌های غیر کشاورزی و جستجوی شیوه‌های جدید معیشت با اتکاء به منابع درونی روستاها بیش از پیش احساس می‌شود: مسئله‌ای که سعی شده تا در این مقاله بدان پرداخته شود.

*- E-mail: Teimouramar@yahoo.com

طرح مسئله

اقتصاد روستائی در ایران علیرغم نقش مهم و فعالی که در اقتصاد ملی داشته، اما در طول نیم قرن اخیر دستخوش تحولات عمیقی شده است. در جامعه روستائی کشور عرضه و تقاضای نیروی کار طی چهار دهه گذشته با فراز و نشیب‌هایی از ۳/۱ میلیون شغل به ۲/۸ میلیون شغل رسیده است. در این مدت بخش خدمات به‌ویژه طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵ مهم‌ترین نقش را در اشتغال به‌عهده داشته و سهم بخش صنعت در مجموع کاهش یافته است. با توجه به جدول شماره (۱) می‌توان به افزایش جمعیت روستائی، کاهش جمعیت فعال، افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در طول سه دهه گذشته پی برد و "پیش‌بینی می‌شود که جمعیت روستائی تا سال ۱۳۸۵ تغییر چندانی نسبت به سال ۱۳۷۵ نداشته باشد؛ ولی در بلندمدت یعنی تا پایان قرن حاضر حداکثر به ۲۷ میلیون نفر برسد. با توجه به نرخ رشد جمعیت فعال بنظر می‌رسد که تا سال ۱۳۸۵ به ۳۲۴ هزار فرصت شغلی جدید نیاز است؛ ضمن آن که مهاجرت نیروی انسانی از مناطق روستائی به سمت مناطق شهری همچنان ادامه یابد" (شریف‌زاده ۱۳۸۱، ص ۳۷).

علیرغم تأثیرپذیری اقتصاد روستائی کشور از بخش کشاورزی، ایجاد تحول در اقتصاد مناطق روستائی با تکیه بر بخش کشاورزی با محدودیت‌های زیادی مواجه است. گسترش فعالیت‌های این بخش (همانند پیدایش آن) عمدتاً بر قابلیت‌های جغرافیایی هر ناحیه تأکید دارد؛ به‌همین لحاظ در راه افزایش توان و قابلیت، با موانع جدی محیطی روبروست. از طرف دیگر با تبدیل تدریجی نظام سنتی تولید به نظام مدرن و مکانیزه، درصد اشتغال در این بخش کاهش خواهد یافت. بنابراین علاوه بر فشارهای ناشی از افزایش جمعیت، مکانیزه کردن این بخش نیز - که برحسب ضرورت صورت می‌گیرد- ابعاد بیکاری را گسترش خواهد داد راه حل این مسئله بدون تردید در تنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی و تقویت بخش‌های غیر کشاورزی است تا به تناسب شرایط جغرافیایی و با اتکاء به منابع درونی هر ناحیه، نسبت به گسترش فرصت‌های شغلی و زمینه‌های کسب درآمد اقدام شود.

جدول ۱- تحول جمعیت مناطق روستائی کشور براساس مشارکت اقتصادی و ترکیب اشتغال (ارقام به هزار نفر)

۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		شرح	مشارکت اقتصادی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۳۸	۲۳۳۷۰	۴۵/۷	۲۲۳۴۹	۵۳	۱۷۸۵۳	۶۲	۱۵۹۹۴	جمعیت روستائی	
۷۲/۳	۱۶۸۹۷	۶۴/۶	۱۴۴۳۷	۶۴/۸	۱۱۵۷۴	۶۱/۲	۹۷۸۹	جمعیت ده‌ساله و بیشتر	
۶۲/۲	۱۰۵۲۵	۶۰/۳	۸۷۱۰	۵۲/۸	۶۱۱۴	۵۰/۸	۴۹۷۴	جمعیت غیر فعال	
۳۷/۸	۶۳۷۲	۳۹/۷	۵۷۲۷	۴۷/۲	۵۴۶۰	۴۹/۲	۴۸۱۵	جمعیت فعال	
۹۰/۵	۵۷۷۳	۸۷/۱	۴۹۸۸	۸۵/۸	۴۶۸۶	۸۸/۲	۴۲۴۸	جمعیت شاغل	
۹/۵	۵۹۹	۱۲/۹	۷۳۹	۱۴/۲	۷۷۴	۱۱/۸	۵۶۷	جمعیت بیکار	
									ترکیب اشتغال
۵۰/۱	۲۸۴۱	۵۹	۲۸۲۵	۵۹/۵	۲۷۸۸	۷۱/۵	۳۰۳۶	بخش کشاورزی	
۲۶/۵	۱۵۳۳	۲۰	۱۰۱۵	۳۱	۱۴۴۹	۱۹	۸۰۸	بخش صنعت	
۲۳/۴	۱۳۹۹	۲۱	۱۱۴۸	۹/۵	۴۴۹	۹/۵	۴۰۴	بخش خدمات	

مأخذ: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۱) ص ۳۲

- این مقاله نیز نگاهی به جوامع روستائی از دریچه کارکرد اقتصادی خواهد داشت تا با دستیابی به چارچوبی مناسب، راه‌های خروج از این وضعیت را ارائه کند. ضرورت پرداختن به این مقوله از دلایل زیر نشأت می‌گیرد:
- ضرورت پرداختن به نقاط ضعف جوامع روستائی و حصول به شناختی عمیق از قابلیت‌های درونی آنها در راستای استفاده اصولی و منطقی از منابع و در جهت بقا و دوام این نقاط؛
 - ضرورت دیگر، استفاده مناسب از زیرساخت‌های جغرافیایی در نواحی روستائی در راستای حفظ منابع محیط و بهره‌گیری مطلوب از توان‌های طبیعی است؛
 - پرداختن به شیوه‌های درآمدزائی مکمل یا جانشین برای فعالیت‌های کشاورزی جهت تنوع‌سازی منابع معیشت، درآمد و اشتغال که بدون شک می‌تواند نجات بخش اقتصاد فعلی جوامع روستائی و مرهمی بر ناتوانی این مکان‌ها جهت حفظ و نگهداشت جمعیت باشد؛
 - ضرورت‌های سه‌گانه فوق در کنار یکدیگر ابزاری برای رسیدن به توسعه پایدار ناحیه‌ای در قلمرو روستاها بشمار می‌روند که ضمن اصلاح روابط بین انسان و محیط در این جوامع، راهکارهای استفاده بهینه از منابع موجود و نحوه استفاده از پتانسیل‌های غیر کشاورزی را نیز ارائه می‌کند.

مبانی نظری تحقیق

تحقیقاتی که در جغرافیا انجام می‌شود، مبتنی بر سه نوع تحلیل است: تلیل تکوینی، تحلیل ساختاری و تحلیل کارکردی. در این بین "بررسی و تحلیل نقشی (کارکردی) در جغرافیا یک عادت باستانی است و مبادی آن در جهان‌شناسی یونانی یافت می‌شود که اخیراً نیز احیاء کارکردگرایی همراه با قاعده مندی نظریه سیستم‌ها مطرح گردیده است" (بهنروز ۱۳۷۸، ص ۵۸). جغرافیدانان از گذشته تا به امروز در مطالعات علمی خویش در زمینه‌هایی چون تئوری، روش کار، مباحث فلسفی و تجربی از اصول و مفاهیم کارکردگرایی بهره‌جسته‌اند (شکویی ۱۳۷۷ ص ۱۹۸).

بررسی نقش (کارکرد)^۱ پدیده‌ها، انسان و نیز جوامع از جهات مختلف و جنبه‌های متفاوتی انجام شده است. در سیر تحول این مفهوم به تقسیم بندی‌هایی چون کارکرد درونی^۲ و بیرونی^۳ (الیاسی ۱۳۶۸)، کارکردهای آشکار^۴ و پنهان^۵ (توسلی ۱۳۷۰)، کارکرد فردگرایانه^۶، فیماینی^۷ و اجتماعی^۸ (ریترز ۱۳۷۹)، کارکرد مناسب و نامناسب^۹ (توسلی

1- Fimctopn
 2- inside. F.
 3- outside. F.
 4- mpmofest. F.
 5- latemt. F.
 6- omdovodia;ostoc. F.
 7- interpersonal. F.
 8- Social. F.
 9- Disfunction. F.

۱۳۷۰)، کارکرد عینی^۱ و انتزاعی^۲ (شبلینگ ۱۳۷۷)، کارکرد بالقوه^۳ و بالفعل^۴ (دولفوس ۱۳۷۳) برخورد می‌نمایم که نشانگر تعمق در مفاهیم و اصول این نگرش (کارکردگرایی) می‌باشد. برحسب مسائل جغرافیایی و ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی، مجموعه تقسیمات کارکردی فوق قابلیت تقسیم مکانی نیز دارند که عموماً "تحت عنوان کارکردهای شهری^۵ و روستایی^۶ تفکیک می‌شوند. بنابراین همه کارکردهای فوق مستلزم نیازهای مکانی-فضایی هستند که جغرافیا در قالب ناحیه‌ای به توصیف و تبیین آنها می‌پردازد.

علم جغرافیا اگرچه مدعی فلسفه کارکردگرایی مشابه شیوه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی نیست؛ با این حال اکثر کارهای تجربی در این علم را به لحاظ شکل و قالب می‌بایست کارکردگرایانه دانست. مروری بر عقاید و افکار جغرافیدانان در دو قرن اخیر بر پذیرش کارکردگرایی به عنوان یک مکتب فکری از سوی اندیشمندان این علم صحه می‌گذارد." در رابطه با مطالعات روستائی نیز روش‌ها و دیدگاه‌های چندی وجود دارد که چهار نوع از آن از همه معروف‌تر است. روش یا دیدگاه اکولوژیک، دیدگاه کالبدی، روش یا دیدگاه مرکزیت یا بررسی مناسبات بیرونی و بالاخره روش یا دیدگاه کارکردی. بر مبنای روش چهارم، برخی محورهای مطالعاتی عبارتند از: ساخت جمعیت و نظام سلسله مراتبی اجتماعی، انواع کشت و تحولات بوجود آمده در آن، اشکال مختلف مالکیت و شیوه‌های تولیدی، ساختار اقتصادی-اجتماعی و سازماندهی نظام آبیاری" (توانا ۱۳۶۹، ص ۶)

هر سکونتگاه روستائی به تناسب ساختار اقتصادی-اجتماعی و همچنین تحولاتی که از گذشته تا به امروز به خود دیده است، دارای کارکردهای مشخصی است که در یک تقسیم‌بندی متعارف می‌توان آن‌را در چهار مورد برشمرد: کارکرد سکونتی، خدماتی-تسهیلاتی، ارتباطی-استراحتگاهی و اقتصادی-تولیدی (سعیدی ۱۳۷۷، ص ۵۲). در یک تقسیم‌بندی دیگر کارکرد روستاها را در مواردی چون سکونتی، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌توان دانست که در این بین کشاورزی مهم‌ترین کارکرد اقتصادی سیمای روستائی جهان است (بهوروز ۱۳۷۴، ص ۲۵۲). علیرغم این تقسیم‌بندی‌ها، کارکرد جوامع روستائی در سراسر جهان یکی نبوده و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. دولفوس معتقد است که در یک کشور توسعه یافته، روستاها دارای کارکردهائی چون تولید محصولات کشاورزی، سکونت جمعیت و گذران اوقات فراغت می‌باشند (دولفوس ۱۳۷۰، ص ۵۸).

کارکرد مشترک تمام تقسیم‌بندی‌های فوق، کارکرد اقتصادی روستاهاست که در نقش‌هائی چون تولیدی، تبدیلی و مبادله‌ای بهم پیوند خورده و نظام اقتصادی روستاها را شکل می‌دهد. در این بین، کشاورزی از قدیمی‌ترین و اثرگذارترین بخش اقتصادی در روستاهاست. گرچه در نظریات مربوط به اقتصاد توسعه قبل از دهه ۱۹۵۰ نقش قابل

-
- 1- Objective. F.
 - 2- Abstract. F.
 - 3- Potential. F.
 - 4- Presence. F.
 - 5- Urban. F.
 - 6- Rural. F.

ملاحظه‌ای برای بخش کشاورزی قائل نبودند (لیتل ۱۹۸۷)؛ لیکن از دهه ۵۰ به بعد نظریات مربوط به رشد و توسعه اقتصادی به نقش انکارناپذیر کشاورزی در فرآیند توسعه اعتراف نمودند.^۱ پیوند بین توسعه روستائی و توسعه کشاورزی باعث شد تا با توجه به جمعیت قابل توجه روستائی در جهان، توسعه کشاورزی یکی از اولویت‌های توسعه به‌ویژه در کشورهای جهان سوم باشد. در این راه، مدل‌هایی چون بهره‌برداری از منابع^۲، حفاظت^۳، موقعیت^۴، نشر یا اشاعه^۵، نهاده‌های پربازده^۶ و نوآوری القایی برای توسعه کشاورزی مطرح شد (آشیر ۱۹۹۰).

صنعت نیز به‌عنوان بخشی از کارکرد اقتصادی روستاها کم و بیش این جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امروزه صنعتی‌شدن روستاها در قالب برنامه‌هایی مدون و برای رسیدن به اهدافی چون افزایش فرصت‌های شغلی، تقویت اقتصادی و افزایش درآمد روستائیان (یونیدو ۱۹۸۴)، فرآوری تولیدات کشاورزی و تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی جامعه روستائی (طاهرخانی ۱۳۷۹) مجدداً دنبال می‌شود. در راستای این اهداف، تئوری‌های زیادی مطرح شده که از آن جمله دیدگاه تکامل گرایانه (اسمیت و لیبراک ۱۳۷۳، همچنین - نابخوندان ۱۹۸۸)، دیدگاه مبتنی بر تمرکززدایی (زولتان ۱۳۸۱)، نظریه رخنه به پائین لوئیس (سایت ۱۳۷۵)، نظریه پیوند و توسعه صنعتی (جانسون ۱۹۷۰) و مدل پیمانکاری (ساتو ۱۹۸۳) می‌باشد. گرچه ادبیات مربوط به این تئوری‌ها تنها در چند جمله فوق خلاصه نمی‌شود.^۷

در بین فعالیت‌های اقتصادی که به تنوع‌سازی درآمد و معیشت در جوامع روستائی کمک شایان توجهی می‌نماید، گردشگری است که بنظر می‌رسد به‌طور سازمان یافته از اواخر قرن نوزدهم و از نواحی کوهستانی آلمان با قلمروهای ساحلی فرانسه سرچشمه گرفته باشد (یاتاکا ۱۹۹۸). نقش گردشگری در اقتصاد روستائی به دلایل مختلف و به‌یژه افزایش ارتباطات مکانی و توسعه حمل و نقل در حال گسترش بوده و این بخش در حال تبدیل شدن به یک منبع اقتصادی مهم در نواحی روستائی است. جاذبه‌های گردشگری روستاها را می‌توان در مواردی چون جاذبه‌های زیستی، ساخت و ساز و شیوه معماری، جاذبه‌های اقتصادی و جاذبه‌های فرهنگی - اجتماعی بر شمرد (جونز ۱۹۹۰) که به‌طور فزاینده‌ای گردشگران را به سمت نواحی روستائی می‌کشاند؛ گو اینکه افزایش گردشگران از بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی پیامدهای مثبت و منفی در روستاها ایجاد می‌کند که برنامه‌ریزی‌های مربوط به این بخش بر کاهش اثرات منفی و بهره‌گیری از تبعات مثبت آن متمرکز است (شارپلی ۱۳۸۰).

۱- نظریات دانشمندی چون وارنیر (۱۹۵۷)، جورجسینون (۱۹۶۱)، انک (۱۹۶۲)، رانیس‌وفی (۱۹۶۲)، تنودور شولتز (۱۹۶۴)، کارول (۱۹۶۷)، باراکلف (۱۹۷۳) و (کریشنا ۱۹۶۷) از آن جمله‌اند. برای مطالعه بیشتر به منبع زیر مراجعه کنید: آرشر کارل و استاز، جان (۱۳۷۷): اقتصاد کشاورزی و فرآیند توسعه اقتصادی.

2- The Resource Exploitation . M .

3- The Conservation . M .

4- Location . M .

5- The Diffusion . M .

6- The High Ray off Input . M .

۷- برای مطالعه بیشتر به منابع آخر مقاله مراجعه کنید.

با توجه به مسائل فوق، اقتصاد روستائی به تبع قابلیت‌های جغرافیایی و کارکرد هماهنگ و یکپارچه بخش‌های مهم اقتصادی قادر است تا در راه تنوع‌سازی درآمد، اشتغال و معیشت گام‌های مهمی بردارد؛ گو این که به تناسب شرایط جغرافیایی، گزینش بخش پیشرو اقتصادی و همچنین مدل‌ها یا الگوهای رشد یک بخش متفاوت خواهد بود.

فرضیات و روش تحقیق

فرضیه‌های اصلی تحقیق عبارتند از:

الف- بین ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی و ویژگی‌های جمعیتی ناحیه رابطه معنی‌داری وجود دارد.
ب- بنظر می‌رسد که بین درآمد ناخالص اقتصادی روستاهای ناحیه با نرخ بیکاری و مهاجرت‌فرستی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ج- بهره‌برداری از قابلیت‌های جغرافیایی ناحیه زمینه تحول اقتصادی روستاها را فراهم خواهد کرد.
در بررسی فرضیات اول و دوم از شیوه متداول در بررسی‌های جغرافیایی یعنی تحلیل همبستگی بهره‌گیری شده است. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش شامل چهل پارچه آبادی مسکونی با ۱۴/۰۴۳ نفر (۳۱۱۰ خانوار) می‌باشد و بر مبنای تقسیمات اداری- سیاسی قلمرو آن منطبق بر بخش خورگام شهرستان رودبار است. این ناحیه با ۲۹۶ کیلومتر مربع وسعت در شرق شهرستان واقع شده و بر اساس مطالعات صورت گرفته با داشتن قابلیت‌ها و منابع اقتصادی راكد، توان آنرا دارد که از تحرک و پویایی اقتصادی بهتری برخوردار شود.

پژوهش انجام یافته از نظر هدف از نوع " کاربردی " و بر مبنای روش از نوع " توصیفی " و " همبستگی " می‌باشد. برای انجام مطالعه از شیوه‌های مرسوم جمع‌آوری اطلاعات (اعم از اسنادی و میدانی) بهره‌گیری شده است. در بخش مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی مبانی نظری و سوابق مطالعاتی موضوع مورد بحث پرداخته شده و با استفاده از نظریه‌ها و مطالعات قبلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق و همچنین با بررسی اطلاعات موجود در خصوص ناحیه مطالعاتی، زمینه‌ها و قابلیت‌های اقتصادی روستاهای ناحیه برای ایجاد حرکت‌های مثبت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در بخش میدانی مطالعه از اطلاعات اولیه و و ثانویه بهره گرفته شده است. اطلاعات اولیه با استفاده از چهل پرسشنامه و برای دستیابی به اطلاعاتی چون میزان مهاجرت طی ده سال گذشته، و نحوه و چگونگی انجام فعالیت‌های اقتصادی، میزان تولید انواع محصولات تولیدی، اطلاعات مربوط به هزینه تولید و ارزش اقتصادی (ریالی) محصولات تولیدی بوده است. ضمن آن که اطلاعات دست دوم (ثانویه) نیز بر اساس محورهای مطالعه (به‌ویژه شاخص‌های اقتصادی) از طریق مراکز اداری و سازمانی ناحیه خصوصاً مرکز خدمات کشاورزی، بهره‌سر و جهاد کشاورزی شهرستان رودبار و بر مبنای آخرین اطلاعات موجود (در سه سطح بخش، دهستان و روستا) جمع‌آوری شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اثبات فرضیه‌ها از تحلیل همبستگی استفاده شده است. در این روش با بهره‌گیری از اطلاعات کسب شده در رابطه با قیمت انواع محصولات تولیدی ناحیه، ارزش ریالی تولیدات کشاورزی ناحیه به تفکیک روستا (به عنوان واحد تحلیل) محاسبه شده و سپس ارتباط بین این متغیر با پارامترهای جمعیتی (میزان جمعیت، نرخ رشد، میزان مهاجرت در دهه ۸۱ - ۷۰ و نرخ اشتغال) مورد محاسبه قرار گرفته است. علاوه بر آن بر اساس یافته‌های آماری حاصل از مطالعات میدانی، میزان درآمد متوسط اقتصادی در هر روستا نیز محاسبه شده و ارتباط آن با نرخ بیکاری (۱۳۷۵) هر روستا و میزان مهاجر فرستی آن مورد ارزیابی قرار گرفته است.

کلّیه عملیات آماری و داده‌پردازی با استفاده از نرم‌افزارهای Excel (برای تهیه جداول و نمودارها) و Spss تحت Windows انجام گرفته است. علاوه بر آن به منظور بیان مصور اطلاعات و تهیه نقشه، از محیط نرم‌افزاری Autocad بهره‌گیری شده است.

بحث و یافته‌ها:

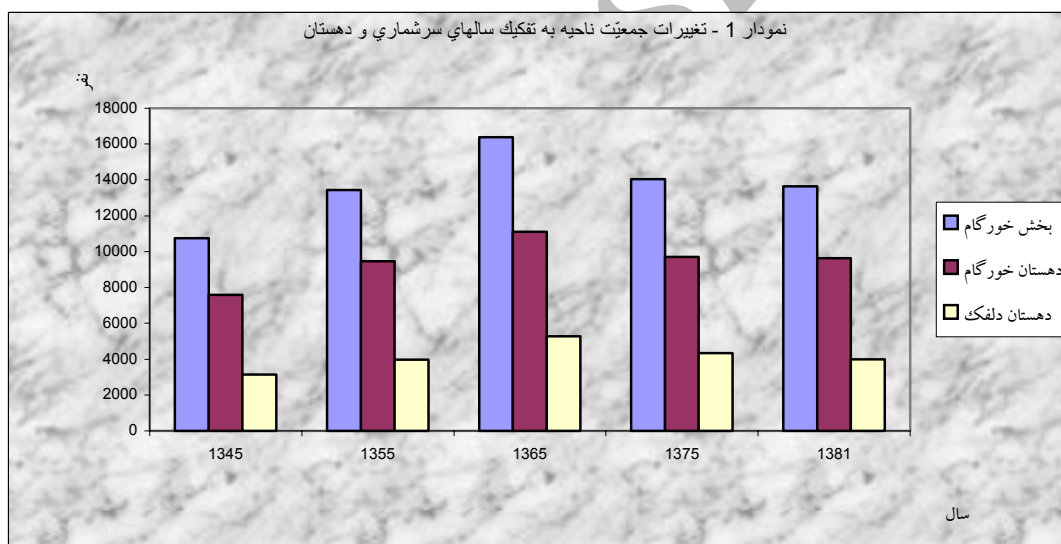
ناحیه خورگام از نظر اکولوژیک یک قلمرو کوهستانی با توپوگرافی ناهمگون است که عوامل طبیعی آن از جمله ناهمواری‌ها، ساختار زمین‌شناسی، اقلیم، منابع آب و پوشش گیاهی نقش عمده‌ای در شکل‌گیری، ریخت‌شناسی، معیشت و پتانسیل‌های روستاها دارند. این ناحیه با دارا بودن ۲۹۶ کیلومتر مربع وسعت (۱۱/۵ درصد کل مساحت شهرستان) حدود ۱۴۰۴۳ نفر جمعیت (۲۳ درصد کل جمعیت روستائی شهرستان) را در خود جای داده که این میزان جمعیت در چهل نقطه روستائی ساکن بوده که سرانه جمعیت هر روستا ۳۵۱ نفر می‌باشد. روند تحولات جمعیتی و محاسبه نرخ رشد روستاهای ناحیه از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۱ (جدول شماره ۱) را می‌توان به دو مقطع تقسیم کرد:

مقطع اوّل که بر تعداد جمعیت ناحیه افزوده شده که از سال ۱۳۴۵ شروع و تا سال ۱۳۶۵ ادامه می‌یابد و مقطع دوّم (از سال ۱۳۶۵ به بعد) که روند افزایش جمعیت متوقف شده و سیر نزول یابنده جمعیت ناحیه آغاز می‌شود و تا به امروز ادامه دارد. روند افزایش جمعیت به دنبال وقوع زلزله ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ دچار نوسان شد و تقریباً کلّیه شاخص‌های جمعیتی آن تحت تأثیر این واقعه غم‌انگیز قرار گرفت. سیر صعودی جمعیت در سال ۱۳۶۹ متوقف شده و متعاقب آن با کشته شدن تقریباً ۸۴۳ نفر (مطالعات میدانی ۱۳۸۱) و مهاجرت وسیع جمعیت ناحیه در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۳۳۷ نفر نسبت به سرشماری قبلی کاهش یافت.

جدول ۲- جمعیت، خانوار و بعد خانوار در بخش خورگام به تفکیک دهستان (۱۳۸۱-۱۳۴۵)

شرح	بخش خورگام			دهستان خورگام			دهستان دلفک		
	جمعیت	خانوار	بعدخانوار	جمعیت	خانوار	بعدخانوار	جمعیت	خانوار	بعدخانوار
۱۳۴۵	۱۰۷۳۶	۲۲۰۸	۴/۸	۷۵۹۳	۱۵۷۰	۴/۸	۳۱۴۷	۶۳۸	۴/۹
۱۳۵۵	۱۳۴۳۳	۲۶۸۶	۵	۹۴۵۸	۱۸۹۰	۵	۳۹۷۵	۷۹۶	۴/۹
۱۳۶۵	۱۶۳۸۰	۳۰۷۱	۵/۲	۱۱۱۰۹	۲۰۹۸	۵/۱	۵۲۷۱	۹۷۳	۵/۴
۱۳۷۵	۱۴۰۴۳	۳۱۱۰	۴/۵	۹۶۹۶	۲۱۶۲	۴/۴	۴۳۴۷	۹۴۸	۴/۵
۱۳۸۱	۱۳۶۴۱	۳۱۱۹	۴/۳	۹۶۴۱	۲۲۲۰	۴/۳	۴۰۰۰	۸۹۰	۴/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادی‌های استان گیلان ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ و فرهنگ آبادی‌های شهرستان رودبار (۱۳۶۵). شبکه بهداشت و درمان شهرستان رودبار، ۱۳۸۱.



طبق سرشماری سال ۱۳۷۵، از کل جمعیت ناحیه ۷۵/۳ درصد در سن فعالیت قرار داشته‌اند که از این تعداد ۲۸۵۹ نفر (۲۷ درصد) فعال و بقیه غیرفعال بوده‌اند. در ترکیب جمعیت فعال این ناحیه نیز ۷۵/۵ درصد شاغل و بقیه بیکار بوده‌اند. در ترکیب جمعیت شاغل ناحیه ۴۴/۳ درصد در بخش کشاورزی، ۱۴ درصد در بخش صنعت و ۴۱/۷ درصد در بخش خدمات مشغول بوده‌اند.

از دیاد مشاغل خدماتی و افزایش درصد شاغلین این بخش، نشان از رشد یک بخش اقتصادی نامانوس با جامعه روستائی در ناحیه خورگام دارد. قرارگیری ناحیه در محل تقاطع راه‌های ارتباطی به بخش عمارلو، بخش مرکزی (شهرستان رودبار)، بخش دیلمان (شهرستان سیاهکل) و رشد فعالیت‌های تجاری و خدماتی و قابلیت‌های توریستی ناحیه (که به‌طور بهینه نیز از آن استفاده نمی‌شود) در افزایش درصد شاغلین بخش خدمات تأثیر بسزایی داشته است.

کارکرد بخش کشاورزی ناحیه بر مبنای اطلاعات سال ۱۳۸۱ و بر فضایی حدود ۴۱۱۷ هکتار زمین، تولید ۵۱۱۷ تن غلات (گندم و جو)، ۴۳۴ تن حبوبات، و ۷۷۲ تن سبزی، محصولات صیفی و نباتات علوفه‌ای بوده است. ضمن آن که در ۱۵۴ هکتار فضای باغی ناحیه نیز ۲۳۷ تن گردو و ۷۹ تن فندق تولید شده است. جایگاه ناحیه مطالعاتی در کل شهرستان نیز نشان می‌دهد که این قلمرو در تولید برخی محصولات مثل جو، حبوبات، گردو و فندق اهمیت زیادی داشته و سهم خورگام از تولیدات فوق به ترتیب ۳۱، ۲۱، ۶۷/۵ و ۲۵/۵ درصد می‌باشد.

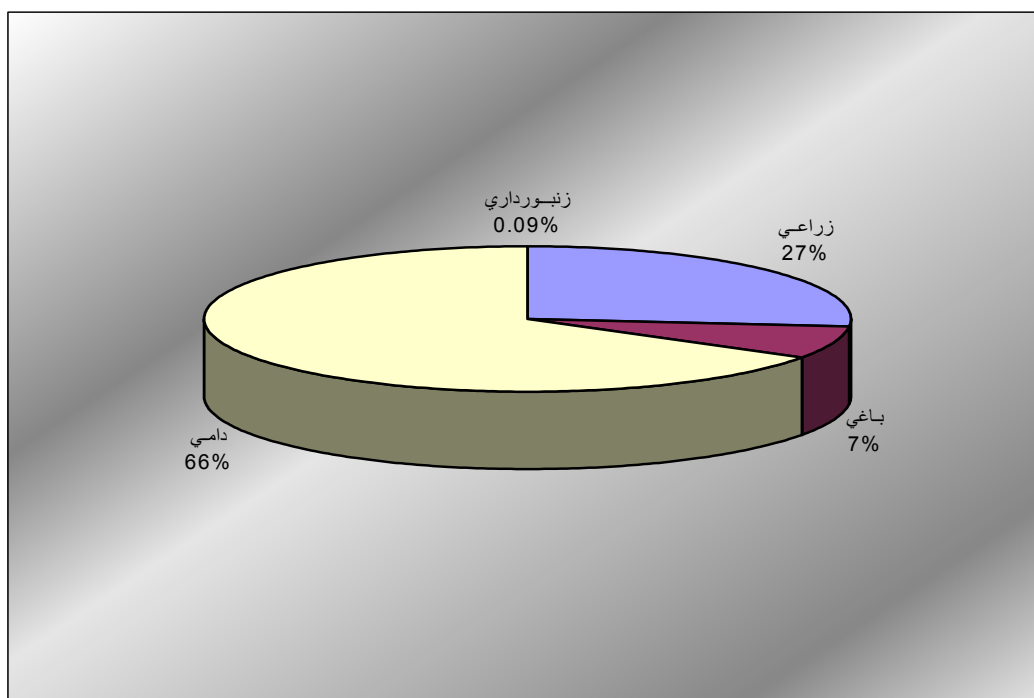
دامداری به‌عنوان یک شیوه معیشت، همزیستی دیرینه‌ای با فعالیت‌های زراعی در ناحیه مطالعاتی دارد. در کل ناحیه ۲۱۷۲۰ رأس دام کوچک و ۸۳۹۵ رأس دام بزرگ برای استفاده از فرآورده‌های آنها نگهداری می‌شود که این میزان به ترتیب ۹ و ۱۵ درصد کل دام‌های شهرستان رودبار را شامل می‌شود. زنبور داری نیز از جمله فعالیت‌های جنبی در ناحیه است که شامل ۶۲ خانوار بهره بردار و ۷۴۲ کلنی زنبور و با میانگین ۱/۵ کیلو عسل می‌باشد که بر این اساس به‌طور متوسط سالانه ۱۰۵۱ کیلوگرم عسل در ناحیه تولید می‌شود. در جدول زیر ارزش اقتصادی تولیدات عمده کشاورزی ناحیه به تفکیک دهستان بیان شده است. بر مبنای محاسبات جدول شماره (۳) ارزش ریالی ناخالص حاصل از فعالیت دامداری حدود ۶۶ درصد کل ارزش ناخالص بخش کشاورزی ناحیه است که نقش و اهمیت این فعالیت را در سازمان اقتصادی ناحیه نشان می‌دهد. تولیدات زراعی با ۲۶/۸ درصد در رده دوم و محصولات باغی و درآمد حاصل از زنبورداری در رده‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۳- ارزش اقتصادی (درآمد ناخالص) تولیدات کشاورزی ناحیه مطالعاتی به تفکیک دهستان.

شرح	زراعی	باغی	دامی	زنبورداری	جمع کل
دهستان خورگام	ارزش ریالی	۸۰۸۴/۵	۱۹۷۱/۲	۱۹۹۴۸	۳۰۰۲۳/۷
	درصد	۲۷	۶/۵	۶۶/۴۴	۱۰۰
دهستان دلفک	ارزش ریالی	۲۷۲۴	۸۷۱/۸	۶۶۶۱	۱۰۲۷۳/۵
	درصد	۲۶/۵	۸/۵	۶۴/۸	۱۰۰
بخش خورگام	ارزش ریالی	۱۰۸۰۸/۴	۲۸۴۳	۲۶۶۰۹	۴۰۲۹۷/۲
	درصد	۲۶/۸	۷	۶۶/۱۱	۱۰۰

* محاسبه بر مبنای میانگین ارزش ریالی (قیمت فروش سال ۱۳۸۱) هر محصول انجام شده است.

نمودار ۲- ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی ناحیه مورد مطالعه (درصد)



در زمینه فعالیت‌های صنعتی، کارکرد ناحیه ضعیف بوده و این بخش تنها ۱۴ درصد شاغلین اقتصادی را به خود جذب کرده است. در کل ناحیه ۳۶ واحد صنعتی وجود دارد که در این تعداد واحد کارگاهی ۱۷۰ نفر مشغول به کار هستند. قسمت عمده این صنایع از نوع غذایی (۴۷ درصد کل صنایع) و صنایع چوب و فلزی است که برحسب نیازهای روستائیان و با توجه به دسترسی به منابع و مواد اولیه موجود شکل گرفته و فرآوری برخی محصولات تولیدی روستائیان و ساخت برخی وسائل مورد نیاز آنان را به عهده دارند.

بخش خدمات بعد از کشاورزی مهم‌ترین فعالیت در جذب نیروی شاغل در ناحیه است. با توجه به نیاز رو به تزاید جمعیت روستائی به خدمات عمومی و روزمره، این بخش در سال ۱۳۷۵ توانسته است تا زمینه اشتغال ۴۷۷ نفر را فراهم آورد که بیشترین تعداد شاغلین در زمینه‌هایی چون خدمات تجاری و آموزشی می‌باشد؛ به طوری که از کل شاغلان این بخش ۵۸/۱ درصد در خدمات تجاری و ۲۷ درصد در خدمات آموزشی مشغول بوده‌اند.

خلاصه و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

بر اساس مطالعات انجام شده، محاسبه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی و برآورد درآمد متوسط روستاهای ناحیه رابطه این متغیرها با متغیرهای جمعیت روستاها و در راستای فرضیات اول و دوم تحلیل شده که نتایج حاصله در جدول‌های شماره (۴ و ۵) مشخص است.

جدول ۴- متغیرهای مورد بررسی و نتایج حاصل از محاسبه فرضیه اول

نتیجه	ضریب همبستگی	سطح معنی‌دار*	متغیرها		تعداد روستا
			وابسته	مستقل	
رابطه دارد	۹۷/۵٪	۰/۴۶۵	ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی	نرخ رشد جمعیت (۷۵-۱۳۴۵)	۴۰
رابطه دارد	۹۷/۵٪	۰/۴۴۸	سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی	میزان جمعیت (۱۳۷۵)	۴۰
رابطه دارد	۹۵٪	۰/۳۲۲	سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی	میزان مهاجرفرستی (۸۰-۱۳۷۰)	۴۰
رابطه دارد	۹۵٪	۰/۳۲۶	سرانه ارزش اقتصادی تولیدات کشاورزی	نرخ اشتغال (۱۳۷۵)	۴۰

* سطح معنی‌داری (حد آزمون خطا از ۰/۰۵ نباید بیشتر باشد و در مقابل، سطح اطمینان از ۹۵ درصد نباید کمتر باشد) (حافظ نیا ۱۳۷۹، ص ۲۱۳)

نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که:

- الف- بین نرخ رشد جمعیت و کل ارزش ریالی تولیدات کشاورزی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ب- بین میزان جمعیت (۱۳۷۵) و سرانه ارزش ریالی تولیدات کشاورزی رابطه معکوس وجود دارد.
- ج- بین میزان مهاجرت (۷۵-۱۳۶۵) و سرانه ارزش ریالی تولیدات کشاورزی رابطه معکوس وجود دارد.
- د- بین نرخ اشتغال (۱۳۷۵) و سرانه ارزش ریالی تولیدات کشاورزی رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول ۵- متغیرهای مورد بررسی و نتایج حاصل از محاسبه فرضیه دوم

نتیجه	سطح معنی‌دار	ضریب همبستگی	متغیرها		تعداد روستا
			وابسته	مستقل	
رابطه دارد	۹۷/۵٪	-۰/۳۹۴	درآمد سرانه روستا	نرخ بیکاری (۱۳۷۵)	۴۰
رابطه دارد	۹۷/۵٪	-۰/۳۴۷	درآمد سرانه روستا	مهاجرفرستی (۸۰-۱۳۷۰)	۴۰

نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که:

- الف- بین درآمد ناخالص روستاهای ناحیه با مهاجرفرستی آنها رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.
- ب- بین درآمد ناخالص روستاها با نرخ بیکاری آنها نیز رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

با تأکید بر قابلیت درونی نواحی روستائی در زمینه برنامه‌ریزی‌های توسعه، توان و قابلیت در ایجاد زمینه‌های مثبت اقتصادی قابل توجه بوده و با عملی شدن برنامه‌های زیر (در راستای فرضیه سوم) می‌توان انتظار داشت که

ضمن کاهش نرخ بیکاری و مهاجرفرستی روستاها، درآمد نیز افزایش یافته و در تناسب با میزان جمعیت ناحیه به‌ویژه نیروی انسانی فعال، تعادل بخشی در اشتغال جمعیت بوجود آید.

الف- بخش کشاورزی: مهم‌ترین رکن معیشتی ناحیه است که ۹۲/۵ درصد کل درآمد روستاها را به‌خود اختصاص داده، لیکن این بخش از برخی ضعف‌های عمومی از قبیل کوچک بودن قطعات زراعی، فرسایش خاک، تأکید و تداوم بر کشت سنتی و شیوه‌های تولید کارآمد و فقدان سیستم‌های آبیاری مجهز رنج می‌برد. در این راستا اقدامات زیر راهگشا خواهد بود:

۱- کمبود آب را می‌توان در ردیف مهم‌ترین موانع توسعه کشاورزی ناحیه دانست که علیرغم وجود پتانسیل‌های قابل توجه، بهره‌برداری مناسبی از این توان‌ها صورت نمی‌گیرد. در این ارتباط پیشنهاد می‌شود تا با احداث یک بند انحرافی و ایجاد یک سد کوچک خاکی بر روی یکی از شعبات رودخانه سیاهرود^۱ و همچنین اصلاح و احیاء استخرهای طبیعی ناحیه، زمینه مشروب کردن حدود ۷۰۰ هکتار زمین در پائین دست یا حواشی این منابع فراهم آید.

۲- در تحولات بخش کشاورزی، نوآوری‌هایی چون استفاده از بذرهای اصلاح شده گندم یا جو، رعایت تناوب زراعی، حذف آیش و جایگزین کردن محصولات تجاری به‌جای محصولات سنتی اثرات مطلوبی خواهد داشت. در این ارتباط تاکنون محصولاتی چون کلزا و زعفران به‌صورت آزمایشی کشت شده که در مورد زعفران موفقیت‌آمیز بوده و قرار است تا کشت این محصول در سطحی گسترده‌تر عملی شود.

۳- پرورش ماهی به‌عنوان یک منبع تقریباً راکد از دیگر قابلیت‌های ناحیه است. متأسفانه در ناحیه‌ای که برخوردار از ۲۲ استخر طبیعی و رودخانه‌های دائمی است، فعالیت مربوط به پرورش ماهی (به‌ویژه ماهیان سردآبی) در آن بسیار ضعیف است. پر واضح است که سرمایه‌گذاری در زمینه پرورش و تولید ماهی یک راهکار چند منظوره است که علاوه بر درآمدزایی و رواج الگوی تغذیه مبتنی بر مصرف ماهی، در صورت سازماندهی مناسب می‌تواند به‌عنوان یک مکان تفریحی نیز مورد توجه باشد.

ب) بخش صنعت و معدن: در حال حاضر فعالیت‌های صنعتی موجود در ناحیه بسیار ضعیف است؛ به‌طوری‌که در بخش خورگام تنها ۵۲۴۸ متر مربع (۱/۷ درصد از کل اراضی ناحیه) به کاربری‌های صنعتی اختصاص دارد که توان قابلیت آنها در ایجاد شغل و درآمد ناچیز است. با توجه به این مسئله و با در نظر گرفتن ظرفیت‌های موجود پیشنهاد می‌شود:

۱- صنایع غذایی (فرآورده‌های تولیدات دامی) در برخی روستاهای بزرگ ناحیه نظیر بره‌سر، هاش‌امیان و پشته کلا، صنایع چوب در روستاهای نیمه شمالی و غربی و صنایع نساجی در روستاهای جنوبغربی ناحیه ایجاد شود که البته مکان‌یابی این فعالیت‌ها با رعایت مسائل زیست‌محیطی و در نظر گرفتن مزیت‌های اقتصادی در روستاهای فوق امکان‌پذیر خواهد بود.

۱- مکان‌یابی جغرافیایی، مشخصات و دلایل توجیهی این پروژه‌ها در متن اصلی تحقیق به تفکیک ذکر شده است

۲ - ایجاد کارخانه بسته‌بندی آب معدنی از چشمه‌های مستعد ناحیه (همانند کارخانه داماش که اشتغال ۹۰ نفر را فراهم کرده است) از دیگر قابلیت‌های این قلمرو بشمار می‌رود. براساس مطالعات صورت گرفته، اغلب چشمه‌های ناحیه فاقد املاح بوده و امکان بهره‌برداری صنعتی از آنها به منظور شرب و مصارف انسانی وجود دارد.

۳ - بهره‌برداری از ظرفیت‌های معدنی ناحیه که در وضع موجود غیرفعال هستند نیز از راهکارهای مناسب در تقویت اقتصادی و ناحیه بشمار می‌رود. معادنی مثل سرب و روی با ذخیره ۲۰۰ هزار تن در جنوب ناحیه (بزبره) و روستای جمل، سنگ‌آهک با ذخیره ۵۰۰ هزار تن در روستای گردویشه از جمله این توان‌ها هستند که برآورد شده در صورت بهره‌برداری قادر به ایجاد ۷۰ فرصت شغلی خواهند بود (اداره کل منابع و معادن استان گیلان ۱۳۷۹).

ج - بخش گردشگری: قابلیت‌های گردشگری ناحیه نیز از جمله توان‌های مهم و منابع راکدی است که متأسفانه تاکنون از آنها بهره‌برداری مناسبی بعمل نیامده است. این ناحیه علیرغم داشتن جاذبه‌های طبیعی چون اقلیم مناسب، استخرهای طبیعی، چشمه‌های آب معدنی، غار اسپهبدان و آبدار، چشم‌اندازهای جنگلی، شکارگاه درفک و گل زیبای و نادر سوسن چلچراغ و همچنین جاذبه‌های تاریخی چون محوطه‌های باستانی کرفچال بین داماش و اماکن متبرکه‌ای چون شاه شهیدان و ... در زیر ساخت‌های گردشگری دارای ضعف‌های اساسی است. در راستای تقویت بخش گردشگری پیشنهادات زیر ثمربخش خواهد بود:

ایمن‌سازی راه‌های ارتباطی ناحیه بر تطبیق مراکز پذیرایی با اصول بهداشتی و استاندارد کردن آنها، و نیز ایجاد کمپ‌های استراحتی در کنار رودخانه سیاهرود و برخی استخرهای طبیعی ناحیه به عنوان طرح‌های کوتاه‌مدت (کمتر از یک سال)، تقویت و بهسازی منازل مسکونی موقتی (خانه‌های دوّم)، ایجاد یک مجتمع توریستی ییلاقی در مسیر درفک به عنوان طرح‌های میان‌مدت (۱ تا ۳ سال).

- ایجاد اردوگاه گردشگری، توسعه توریسم زمستانی به عنوان طرح‌های بلندمدت (۳ تا ۱۰ سال).

در مجموع می‌توان ابراز داشت که شرایط و زمینه برای ایجاد تحولات مثبت در فضای اقتصادی ناحیه وجود داشته و اقتصاد در این ناحیه می‌تواند به مدد سرمایه‌های دولتی یا خصوصی و با مشارکت مردم و نیروی انسانی فعال ناحیه و بهبود زیرساخت‌های موجود از شرایط بهتری به لحاظ اشتغال، درآمد و معیشت برخوردار شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- اداره کل صنایع و معادن استان گیلان (۱۳۷۹)، نگاهی اجمالی به وضعیت صنعت و معدن در گیلان.
 - ۲- اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گیلان (۱۳۷۷)، طرح جامع توریستی استان گیلان. مجری دکتر محمدتقی رهنمایی.
 - ۳- آسایش، حسین مشیری، رحیم (۱۳۸۱)، روش‌شناسی و تکنیک‌های تحقیق علمی در علوم انسانی با تاکید بر جغرافیا، نشر قومس.
 - ۴- الیاسی، حمید (۱۳۶۸)، واقعیات توسعه نیافتگی، انتشارات انتشار.
 - ۵- بهفروز، فاطمه (۱۳۶۸)، روند تکاملی مطالعات جغرافیایی استقرارگاه‌های روستائی نوین در قالب دیدگاه‌های انسان-محیطی و ناحیه‌ای، رشد آموزش جغرافیا شماره ۱۷.
 - ۶- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۸)، فلسفه روش شناسی تحقیق علمی در جغرافیا، دانشگاه تهران.
 - ۷- توانا، حسن ضیا (۱۳۶۹)، نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۴.
 - ۸- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت.
 - ۹- دولفوس، اولیویه (۱۳۷۳)، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا.
 - ۱۰- ریتز، جورج (۱۳۷۹) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی (تهران).
 - ۱۱- سعیدی، عباس (۱۳۷۵)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت.
 - ۱۲- شبکه دامپزشکی شهرستان رودبار (۱۳۸۱)، آمار تعداد دام روستاهای بخش خورگام.
 - ۱۳- شبلینگ، ژاک (۱۳۷۷)، جغرافیا چیست، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق.
 - ۱۴- شبکه بهداشت و درمان شهرستان رودبار (۱۳۸۱)، اطلاعات جمعیتی روستاهای شهرستان رودبار به تفکیک.
 - ۱۵- شریف زاده، ابوالقاسم (۱۳۸۱) وضعیت کشاورزی در برنامه سوم توسعه کشور، مجله دام، کشت و صنعت شماره ۳۳.
 - ۱۶- شکویی، حسین (۱۳۷۷)، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، آستان قدس رضوی.
 - ۱۷- مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادیهای استان گیلان سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ و فرهنگ آبادیهای شهرستان رودبار (۱۳۶۵).
 - ۱۸- مرکز خدمات کشاورزی بخش خورگام (۱۳۸۱)، سطح زیر کشت و محصولات عمده تولیدی بخش به تفکیک روستا.
 - ۱۹- مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۱)، مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌ها و چشم اندازهای توسعه ایران، دفتر چهارم.
- Clevedon : B(1994) : Rural Tourism and sustainable Rural Derelopment , B . lend, 20- Bram Well
chomel Wiev publications.

carl . k . and John . M . staatz(1990) : Agricultural Development in the Third World . 21- Elcher

University press.، Johns Hopkins ،Baltimor

Michael(1990): Rural Tourism : Special Marketing For a special Place. Rural ،22- Jones

Vol . 14 . No . L.،Development news

23 - Little ، I . M . D (1982) : Economic Development theory poliey and International Relations ،

NewYork Basic Book.

24 - Nanjundan . s (1982) : small and Medium Enter Prises: some Basic Development Issues ،

UNIDO.

25 - sato. Y1 (1983): The subcontracting Production system in Japan . Keio Businss Review .

26 - UNID(1984) : The Role of small and Medium Scale Industries in "OIC " Member states

UNIDO No . 9 .

27- Yutaka ، Arahi (1998) : Rural Tourism in gapan. The regeneration of Rural communities

Tokyo. Japan.

۲۸- و برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به :

آمار، تیمور(۱۳۸۲)، ضرورت تحول در کارکرد اقتصادی نواحی روستایی، پایان نامه دوره دکتری دانشگاه تهران،
استاد راهنما: دکتر سید رحیم مشیری،استادان مشاور: دکتر پرویز کردوانی و دکتر مسعود مهدوی.